

بررسی مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان بر امنیت ایران (مطالعه موردی ترانزیت مواد مخدر و ناامنی مرزی)

نادر قلی زاده پاک

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

شیدا مرتضایی

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

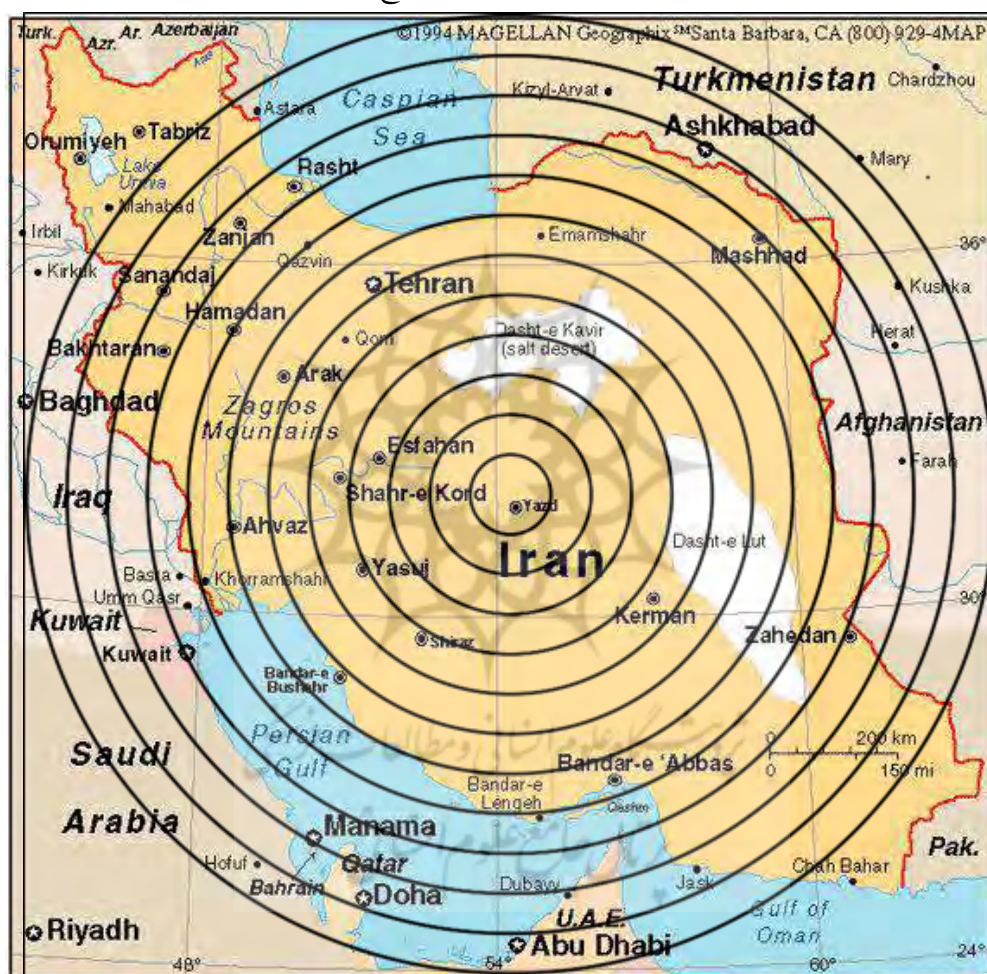
چکیده

ژئوپلیتیک ایران پیوند ناگسستنی‌ای با همسایگان دارد و می‌توان گفت که بسیاری از مسائل و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران ریشه در کشورهای پیرامونی دارند. هدف این مقاله بررسی مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان به ویژه ترانزیت مواد مخدر و ناامنی مرزی بر امنیت ایران است. سؤال اصلی مقاله این است که ژئوپلیتیک افغانستان در حوزه مواد مخدر و ناامنی مرزی چگونه امنیت ایران را متأثر ساخته است؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که ایران شاهره ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه است به نحوی که چالش‌های ژئوپلیتیکی کشورهای پیرامونی تأثیر چشمگیری بر امنیت و ناامنی آن دارند. کشور افغانستان به دلیل ساختار سیاسی، امنیتی و قومی غیر منسجم، غیر متمرکز و غیر ملی و نیز اقتصاد سیاه و غیر شفاف و مبتنی بر کشت، تولید و صادرات مواد مخدر به شدت امنیت ملی ایران را در حوزه اقتصادی و مرزی با ناامنی مواجهه ساخته است. با توجه به این مقدمه در این مقاله تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان به ویژه ترانزیت مواد مخدر و ناامنی مرزی بر امنیت ایران پرداخته شود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک افغانستان، امنیت ایران، ترانزیت مواد مخدر، ناامنی مرزی.

مقدمه

ژئوپلیتیک مفهومی مستقل و در بسته نیست که تنها عوامل درون مرزهای کشور تشکیل دهنده آن باشند. به عبارتی دیگر در اصطلاح ژئوپلیتیک هم ژئو مفهومی پیوسته است و هم پولیتیک. تلاش برای تعیین مرزها و ایجاد موانع مصنوعی و انسان ساخت خود دلیلی است برای اثبات کش‌دار بودن ژئو است و از طرف دیگر پولیتیک نیز در دنیای معاصر متأثر از دو دسته متغیر درونی و بیرونی است به نحوی که هیچ دولتی نمی‌تواند بدون توجه به متغیرهای خارجی و تنها بر اساس اطلاعات ملی سیاست‌گذاری کند. در واقع بایستی ژئوپلیتیک را به صورت دایره‌های متداخلی تصور کرد که هرچه از کانون دورتر می‌شوند بزرگ‌تر و وسیع‌تر می‌شوند.



نمودار شماره ۱- کش‌دار بودن مفهوم ژئوپلیتیک منبع: (نگارنده)

سیاست‌گذاری‌های واحدهای سیاسی نیز بایستی علاوه بر این که متغیرهای ژئوپلیتیکی را در نظر داشته باشند نباید تنها خود را بر کوچک‌ترین سطح ژئوپلیتیک یعنی سطح ملی و کشوری متوقف کنند. شاید به این دلیل باشد که بهترین شیوه مقابله با معضلات اجتماعی و اقتصادی و ... محدود نشدن در سطح مکان و جغرافیای مسئله باشد. جهانی شدن^۱ و گسترش ارتباطات بین‌المللی نیز بعد تازه‌ای را به این مسئله افزوده است به نحوی که قابلیت تسری

^۱ Geopolitics

^۲ Globalization

مسائل اقتصادی و اجتماعی و اقتصادی از نظر شدت و سرعت دو چندان شده است و این خود نیز دلیلی است بر اثبات این موضوع که ژئوپلیتیک کش دarter و و دارای افق‌های دورتری شده است. البته شدت این مسئله در مورد موضوعات مرتبط با امنیت و نیز اعمال مجرمانه و قاچاق چند برابر می‌شود؛ زیرا این نوع اعمال و گروه‌های که به این نوع اقدامات دست می‌زنند از قدیم الایام محصور در مکان جغرافیایی خاصی نبوده‌اند و می‌توان گفت که حتی مهم‌ترین چالش فعالیت آن‌ها داشتن مکان و جغرافیای فعالیت مشخص بوده است زیرا مبارزه و انهدام آن‌ها را آسان می‌نموده است؛ بنابراین گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر و کلا ترانزیت مواد مخدر مسئله‌ای است که بایستی با توجه به کش دار بودن مفهوم ژئوپلیتیک تحلیل شود. هدف این مقاله بررسی مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان به ویژه ترانزیت مواد مخدر و نامنی مرزی بر امنیت ایران است. سؤال اصلی مقاله این است که ژئوپلیتیک افغانستان در حوزه مواد مخدر و نامنی مرزی چگونه امنیت ایران را متأثر ساخته است؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که ایران شاهراه ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه است به نحوی که چالش‌های ژئوپلیتیکی کشورهای پیرامونی تأثیر چشمگیری بر امنیت و نامنی آن دارند. کشور افغانستان به دلیل ساختار سیاسی، امنیتی و قومی غیر منسجم، غیرمتمرکز و غیر ملی و نیز اقتصاد سیاه و غیر شفاف و مبتنی بر کشت، تولید و صادرات مواد مخدر به شدت امنیت ملی ایران را در حوزه اقتصادی و مرزی با نامنی مواجهه ساخته است. با توجه به این مقدمه در این مقاله تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان به ویژه ترانزیت مواد مخدر و نامنی مرزی بر امنیت ایران پرداخته شود.

رویکرد نظری

امنیت واژه عربی از ریشه امن است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معانی یکسانی را می‌رساند، از آن به دست آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی معنا شده است (عمید، ۱۳۶۰: ۲۵). در دانشنامه سیاسی، امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله آمده است (آشوری، ۱۳۶۶: ۳۸). همچنین به صورت نسبتاً جامع در فرهنگ علوم سیاسی، امنیت چنین تعریف شده است:

۱. تضمین ایمنی، یعنی قراردادهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها؛
۲. مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳۸۴).

انسان‌ها برای مشخص ساختن پیرامون فعالیت خود، آن گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود می‌باشند که گونه گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند که مرز خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۰). مرزها حدود ملت‌ها و کشورها را مشخص کرده و بنابراین

معرف کشور- ملت‌ها هستند. مرزها به طور هم زمان، ابزار سیاست کشور، تجلی و وسیله قدرت و تعیین کننده امنیت ملی هستند (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۴۱).

قاچاق کلمه‌ای ترکی است به معنی: تردستی، کاری که پنهانی و با تردستی انجام شود، خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت بوده یا معامله آن‌ها ممنوع باشد؛ وارد یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آن‌ها ممنوع است (عمید، ۱۳۵۵: ۱۵۶). قاچاق یعنی کاری بر خلاف قانون که پنهانی انجام شود و متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد. به طور کلی، هر نوع معامله یا مبادله کالا با پول یا کالایی دیگر که دولت محدودیت یا ممنوعیتی علیه آن وضع کرده باشد قاچاق محسوب می‌شود (بنائی، ۱۳۷۷: ۷۶). قاچاق تحت عناوین مختلف دسته بندی می‌شود، مثلاً در یک دسته بندی، می‌توان آن را به قاچاق داخلی از یک سو و از سویی دیگر به قاچاق خارجی تقسیم کرد. در این تقسیم بندی مبدأ و مقصد قاچاق در نظر گرفته می‌شود و هرگاه این دو نقطه درون کشور واحدی باشند قاچاق داخلی و در غیر این صورت قاچاق خارجی محسوب می‌شود (سیف، ۱۳۷۸: ۲۷). تروریسم: ترور در ادبیات سیاسی به اعمال و اقدامات خشونت‌آمیز جهت نیل به مقاصد سیاسی با هدف از میان برداشتن رقبا اطلاق می‌شود و اگرچه پیشینه دیرینه دارد اما در نیمه دوم قرن بیستم به عنوان آموزه فکری توجیه کننده بهره گیری از فشار و خشونت برای پیشبرد اهداف سیاسی به دل مشغولی مستمری تبدیل شد (سیمبر، ۱۳۸۴: ۱۴۸). تروریسم اساساً پدیده‌ای سیاسی است؛ اما از سایر پدیده‌هایی که سیاسی هستند و در علم سیاست مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند از جمله پدیده‌های انقلاب، شورش، کودتا، راهزنی، جنگ، عملیات چریکی و امثال این‌ها، متفاوت است. با این حال، تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد در جامعه ارعاب و وحشت ایجاد کند تا به اهداف سیاسی خود دست یابد. تا به حال، هیچ تعریف جامع و مانع درباره تروریسم ارائه نشده است که محققان و متخصصان و صاحب نظران این حوزه، روی آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارد؛ اما صاحب نظران در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

اصطلاح قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی‌های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه‌های اجتماعی که دارای پیوستگی و هم بستگی نژادی هستند، متمایزند (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۲). واژه قومیت بیشتر استفاده کاربردی دارد و برداشت‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد بالایی است: «قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را داراست (ایوبی، ۱۳۷۷: ۵۴). مسئله قومیت در دنیای امروز یکی از مسائل بسیار رایج در عرصه سیاست و فرهنگ و جامعه است. در زبان روزمره واژه قومیت، هنوز دلالت به مسائل اقلیت‌ها و روابط نژادی دارد، اما فارغ از این نگاه عامیانه و سنتی به قومیت، علوم اجتماعی و بالأخص انسان‌شناسی رویکردهای دقیق‌تر و عقلانی‌تری را در بررسی امر قومی تدوین کرده است. اهمیت یافتن مسئله قومیت در انسان‌شناسی به حدی است که در ساختار تحلیلی انسان‌شناختی، واحد اساسی تحلیلی از قبیله به گروه قومی تغییر کرده است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

طبق تعریف دکتر پیروز مجتهد زاده ژئوپلیتیک عبارت است از اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است.

نظر به این که یک کشور در بطن مطالعات جغرافیای سیاسی جای دارد از پیوند سه عامل ملت، حکومت و سرزمین، کشور تشکیل می‌شود؛ بنابراین همه موضوعات مرتبط با این مفاهیم، مانند ریشه‌یابی مسائل قومی، جریانات مهاجرت، تحلیل قدرت سیاسی نواحی شهری، تحلیل فضایی قدرت سیاسی در سطح کشور، تقسیمات کشوری و رقابت‌های مکانی، دولت محلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی جغرافیای انتخابات، از جمله مسائل مرتبط با کشور هستند که امروزه در جغرافیای سیاسی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند.

تأمین امنیت مرزها، همواره یکی از موضوعات مهم و کاربردی در جغرافیای سیاسی می‌باشد که نه تنها با گذشت زمان از اهمیت آن کم نشده بلکه معیارهای و مسائل جدیدی نیز به آن اضافه گردیده است.

در حقیقت آنچه که امروزه همه درباره آن متفق‌القول هستند این است که داشتن مرزهای مطمئن و امن در اجرای سیاست حسن هم‌جواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت‌کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار می‌باشد و پیچیدگی مسائل مرزی در عصر کنونی ضرورت توجه به ابعاد گوناگون آن را خصوصاً از بعد امنیتی بیشتر نمایان می‌سازد. افزون بر این، تأثیرات مستقیم و گسترده مرزهای هر کشور بر استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی و ... آن کشور، اهمیت پرداختن به تأثیرات امنیتی مرزها را آشکار می‌سازد؛ اما نکته‌ای که باید در نظر داشته باشیم این است که حفظ و امنیت و راه‌های وصول به آن است که همواره دچار تحول می‌شود؛ مثلاً: اگر در دوران جنگ سرد تنها راه وصول امنیت، ابزار نظامی بوده باید علت را در شرایط استراتژی‌های آن دوره جستجو نمود چرا که تهدیدات تنها جنبه‌های نظامی و در عین حال عینی داشتند بنابراین استفاده از تسلیحات نظامی معقول و قابل توجه بود؛ اما در قرن بیست و یکم با تغییر در اهداف استراتژی‌ها و نیز تهدیدات، راه‌های وصول به امنیت نیز به همان میزان پیچیده و متفاوت گردیده است و استفاده از همان شیوه گذشته نه تنها کاربردی نخواهد بود بلکه باعث افزایش درگیری‌ها خواهد شد؛ بنابراین توجه به معیارهای جدید امنیت برای رهبران یک کشور (خصوصاً اگر در مناطق کمربند شکننده باشند) مهم و سرنوشت‌ساز خواهد بود، خصوصاً برای کشورهایی که از تجانس قومی و فرهنگی برخوردار نیستند، حیاتی است؛ بنابراین در کشورهایی مثل ایران که از نظر مرزی نیز با کشورهای همسایه اختلافاتی دارند، توجه به این مسئله بسیار با اهمیت و در عین حال حیاتی است.

وجود ثبات و یا بی‌ثباتی در یک کشور، حداقل از دو بعد تأثیر مهمی بر کارکرد مرزها از نظر امنیتی دارد: اول این که هرگونه بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور ضمن ایجاد بحران در امور داخلی کشور مزبور باعث سرایت بحران و پیامدهای مخرب آن به کشورهای هم‌جوار به ویژه مناطق مرزی خواهد شد. دوم این که بی‌ثباتی سیاسی و تغییر پی در پی حکومت، منجر به عدم ثبات در وضع و اجرای قوانین و مقررات می‌شود. بدیهی است، عدم ثبات

قوانین و برخوردهای چندگانه در مورد فعالیت‌های و مقررات موجود در مناطق مرزی، باعث عدم توسعه پایدار در این مناطق می‌گردد. چنان که به عنوان مثال، اگر یک دولت اسلام‌گرا در ترکیه بر سر کار آید، روابط دو کشور روند رو به رشدی را خواهد داشت و بازتاب این امر در مناطق مرزی در قالب گسترش ارتباطات مرزی خود را نشان خواهد داد؛ اما به محض تغییر دولت و به خصوص روی کار آمدن نظامیان، معمولاً روابط حسنه دو کشور، سیر نزولی پیدا می‌کند و اولین بازتاب‌های این کاهش سطح روابط در مناطق مرزی در قالب برجسته شدن کارکردهای امنیتی و محدود شدن فعالیت‌های ارتباطی میان مرز نمایان می‌شود. از آن جا که مسئله ارتباطات مرزی و گسترش مبادلات مرز از طریق ایجاد بازارچه‌های مرزی و ... یک موضوع دو جانبه است. هرگونه تغییر در قوانین کشور مقابل، طرح‌ها و اقدامات کشورمان را بر اثر تفاهم‌نامه‌های قبلی ایجاد شده است، ناکام خواهد گذاشت.

ژئوپلیتیک افغانستان

افغانستان کشوری است واقع در آسیای مرکزی. این کشور حدفاصل آسیای میانه، آسیای غربی و خاورمیانه و پایتخت آن کابل است. همسایگان افغانستان، پاکستان در جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۰۱).



نقشه شماره ۱- موقعیت کشور افغانستان منبع: (Security Info Net)

افغانستان ۶۵۲۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است و جمعیت آن در سال ۲۰۱۵ بیش از ۳۲ میلیون نفر بوده که آن را در رتبه چهل و دو پرجمعیت‌ترین کشورهای دنیا قرار می‌دهد. افغانستان از نظر جغرافیایی به سه منطقه متمایز از یکدیگر تقسیم می‌شود؛ دشت‌های شمالی کشور که ناحیه‌ای عمدتاً زراعی است.

فلات جنوب غربی که بیشتر چشم‌اندازی بیابانی و نیمه‌خشک دارد و ارتفاعات مرکزی از جمله رشته‌کوه هندوکش که این دو را از هم جدا می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).



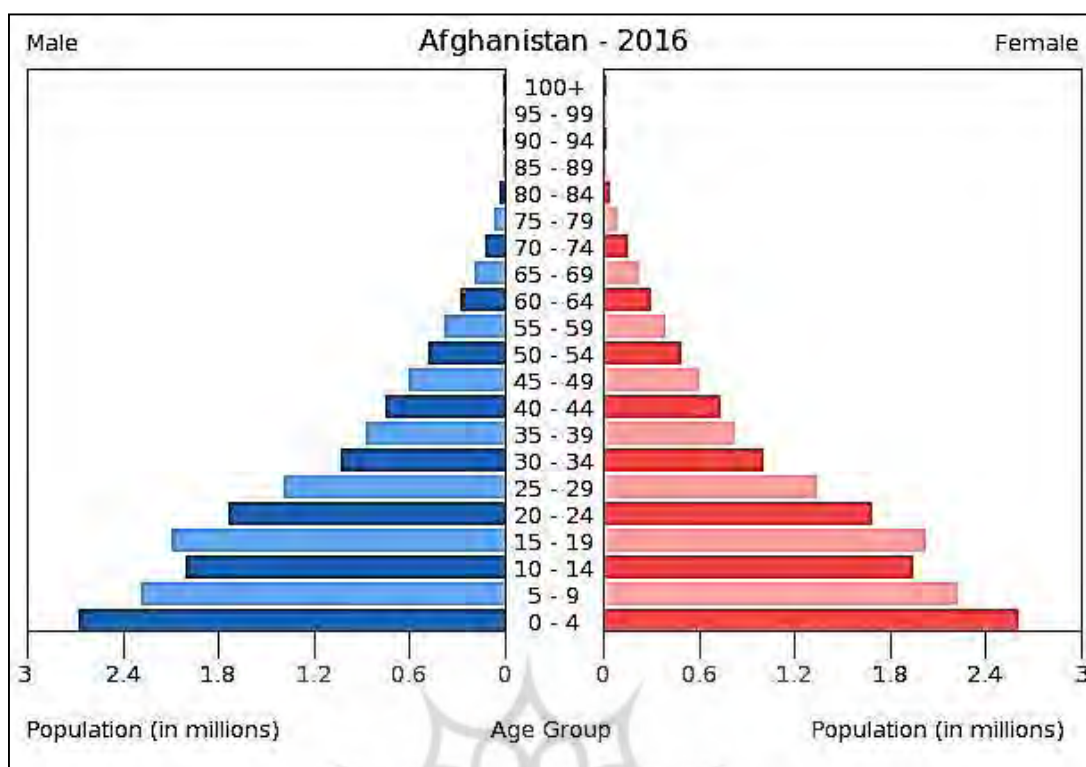
نقشه شماره ۲- تقسیمات سیاسی افغانستان منبع: (World Maps)

افغانستان دارای ۳۴ ولایت (استان) و حدود چهار صد و نوسو و نهم (شهرستان) است. هر ولایت توسط یک والی اداره می‌شود که رئیس‌جمهور، وی را به این مقام منصوب می‌کند و هر ولسوالی به دست یک ولسوال که از سوی والی منصوب می‌شود. در هر ولایت یک شورای ولایتی وجود دارد که اعضای آن در انتخابات عمومی انتخاب می‌شوند. نقش شوراهای ولایتی مشارکت در برنامه‌ریزی‌های توسعه ولایت و نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی ولایت است. افغانستان یکی از کشورهای فقیر و با کشورهای توسعه‌نیافته یکی از فقیرترین کشورهای جهان است (حکمت نیا، ۱۳۸۳: ۸۴).

در سال ۲۰۰۹ میلادی، حجم تولید ناخالص داخلی افغانستان ۱۴ میلیارد دلار بود و سرانه تولید ناخالص داخلی به ۱۰۰۰ دلار می‌رسید. نرخ بیکاری آن ۳۵ درصد و تقریباً ۳۶ درصد ساکنین آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. مطابق با داده‌های نمایندگی ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی بیش از ۴۲ درصد از جمعیت افغانستان با کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می‌کنند. حدود ۸۱ درصد مردم این کشور کشاورز هستند و بقیه شامل ۱۱ درصد در صنعت (اغلب بافندگی) و ۹ درصد در خدمات مشغول به کار هستند (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

1. wuleswali

2. USAID



نمودار شماره ۲- جمعیت افغانستان منبع: (The World Factbook)

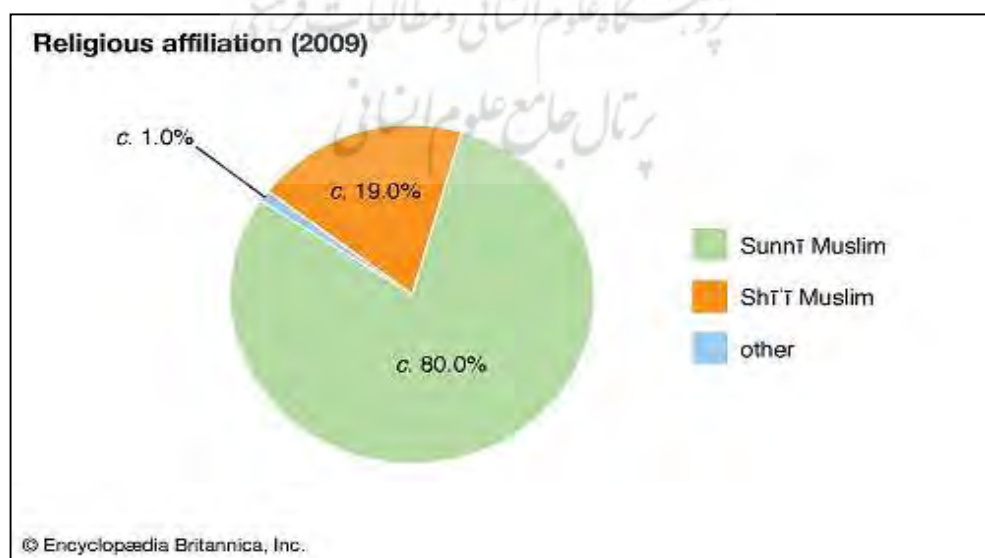
عمده‌ترین محصول صادراتی این کشور مرفین یا تریاک است. حجم تولید تریاک در افغانستان به حدی است که بنا بر گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، بخش عمده تریاک جهان در این کشور تولید می‌شود. بر اساس گزارش‌های سال ۱۳۸۶، تولید مواد مخدر افغانستان بیش از نصف اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد که در حکومت طالبان توسعه یافته بود. بیش از ۹۰ درصد تریاک جهان که مواد خام هرویین است، در این کشور تهیه می‌شود. بیشترین محصولات صادراتی این کشور به سه کشور آمریکا (۲۵/۴ درصد)، پاکستان (۲۲ درصد) و هند (۱۹/۵ درصد) است که حجم آن ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا تخمین زده می‌شود (غوثی، ۱۳۵۶: ۹۴).

افغانستان به طور کلی از چهار قوم بزرگ پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و دیگر اقلیت‌های قومی تشکیل شده است. تعداد پشتوها بین ۴۰ تا ۴۲ درصد، تاجیک‌ها ۳۱ تا ۳۷ درصد، هزاره‌ها ۹/۲ تا ۱۱ درصد، ازبک‌ها ۸ تا ۹/۲ درصد، ترکمن‌ها ۱،۷ تا ۳ درصد، ایماق‌ها، ۰/۱ تا ۲ درصد، بلوچ‌ها ۰/۵ تا ۱ درصد و بقیه (پشاه‌ها، نورستانی، عرب‌تبار و ...) ۱/۴ تا ۵ درصد بوده است. پیوندهای قومی و قبیله‌ای در افغانستان بسیار قوی است. قوم بلوچ هنوز به صورت ابتدایی زندگی می‌کنند. آن‌ها قالی‌های ساده و زیبایی می‌بافند. هزاره‌ها در کوهستان مرکزی زندگی می‌کنند و از سایر اقوام افغانستان ظاهری آسیایی‌تر دارند. آن‌ها از ساکنین اصلی افغانستان می‌باشند که قدمت آنان قبل از اسلام برمی‌گردد که دوران طلایی آنان می‌باشد متأسفانه بعد ورود اسلام قدرت از دست آنان خارج شد و به دست اقوام مهاجم که از هند و اعراب بودند افتادند و تا امروز حکمرانی می‌کنند که آن شکوه و اقتدار افغانستان قبل از اسلام هیچ‌گاه به افغانستان برنگشت و تنها یادگار باستانی آن دوران مجسمه‌های بامیان می‌باشد که به دست آن اقوام مهاجم که در افغانستان تاریخی نداشتند نابود شد (جان پرور، ۱۳۸۹: ۴۳).



نقشه شماره ۳- قومیت‌های افغانستان منبع: (<https://www.geopolitica.ru>)

دو زبان اصلی در افغانستان فارسی افغان (دری) و پشتو است. فارسی دری در شمال، باختر و مرکز افغانستان صحبت می‌شود. تقریباً ۱۱ درصد مردم افغانستان زبان اولشان یکی از زبان‌های ترکی ازبکی یا ترکمنی است. ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان هستند که حدود ۸۰-۸۹ درصد آنان سنی، ۱۰-۱۹ درصد شیعه و کمتر از ۱ درصد پیرو دیگر ادیان هستند. تا دهه ۱۸۹۰ میلادی، ولایت نورستان به نام کافرستان (سرزمین کافرها) شناخته می‌شد (خیرالله، ۱۳۸۹: ۵۸).



نمودار شماره ۳- تقسیمات مذهبی و دینی در افغانستان

منبع: (<https://sites.google.com/a/bcluw.org>)

مرز ایران و افغانستان

مرز مشترک ایران و افغانستان از دهانه ذوالفقار که محل تلاقی مرز مشترک ایران و افغانستان و ترکمنستان است تا ملک سیاه کوه نقطه تلاقی مرز مشترک ایران و افغانستان و پاکستان امتداد یافته است. طول مرز مشترک ایران و افغانستان حدود ۹۴۵ کیلومتر شامل حدود ۷۰۹ کیلومتر مرز خشکی و حدود ۲۳۶ کیلومتر مرز آبی متشکل از (هریرود حدود ۱۵۷ کیلومتر - رود هیرمند و سیخ سر حدود ۵۵ کیلومتر و دریاچه هامون حدود ۲۴ کیلومتر می‌باشد). این خط مرزی که حدود ۸۵۰ کیلومتر طول آن است قسمت شمالی آن توسط ژنرال انگلیسی به نام ماکلین^۱ و انتهای جنوبی آن (اطراف سیستان) توسط کلنل ماکماهون^۲ انگلیسی و باقی در سال ۱۳۱۴ با موافقت دولتین ایران و افغانستان به حکمیت دولت ترکیه توسط سپهد فخرالدین آلتای مرزبندی و تعیین حدود گردید (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۶۹).

مرز مشترک ایران و افغانستان از دهانه ذوالفقار که محل تلاقی مرز مشترک ایران و افغانستان و ترکمنستان است تا



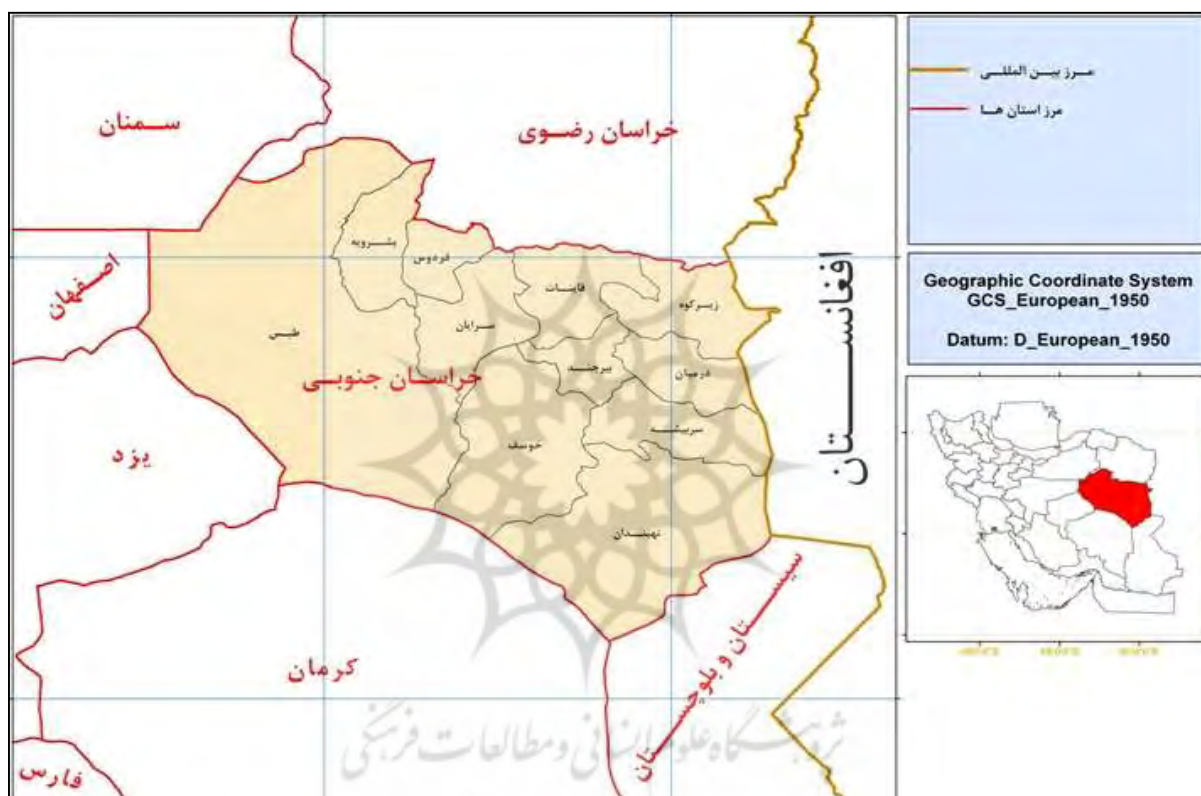
ملک سیاه کوه نقطه تلاقی مرز مشترک ایران و افغانستان و پاکستان امتداد یافته است.

نقشه شماره ۴- نقاط مرزی ایران و افغانستان منبع: (<http://download.aftab.cc>)

^۱ Mackline

^۲ Mac Mahon

گذرگاه مرزی میلک که از روستاهای شهرستان هیرمند، از توابع استان سیستان و بلوچستان بوده و در ۴۵ کیلومتری زابل واقع شده است، یکی از دروازه‌های مرزی ایران و افغانستان به حساب می‌آید. میلک در مجاورت ولایت نیمروز افغانستان واقع شده و در سال ۹۱ مسیر تردد چیزی در حدود ۱۵ هزار مسافر بوده است. اما مهم‌ترین کریدور مرزی با افغانستان را باید دوغارون دانست. دوغارون از توابع تایباد در استان خراسان رضوی است. فاصله آن با تایباد ۱۵ کیلومتر و با هرات ۱۳۵ کیلومتر است. تنها در هشت ماهه نخست سال گذشته ۶۲ میلیون تن کالا از این مرز صادر شده است. دوغارون در دولت دهم به منطقه ویژه اقتصادی ارتقا پیدا کرد. این گذرگاه در جاده ابریشم جدید نیز قرار دارد (بدیعی ازندهای و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۷).



نقشه شماره ۵- شهرهای مرزی ایران با افغانستان منبع: (<http://shabestan.ir>)

ژئوپلیتیک افغانستان و امنیت ایران

از ابتدای شکل‌گیری افغانستان، جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم و تأثیرگذار در تحولات افغانستان بوده است و علت این امر آن است که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه شرق کشور به نوعی با امنیت و ثبات در افغانستان گره خورده است. در سیر طولانی تاریخی که مرکزیت قدرت در ایران بارها با تحول و جابه‌جایی روبه‌رو شده، افغانستان جایگاه خاص خود را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است. موضوعاتی همچون حضور نیروهای خارجی در افغانستان در دوره‌های مختلف، قاچاق مواد مخدر از طریق جمهوری اسلامی ایران، حضور مهاجران افغانی در ایران و درگیری‌ها و تنش‌های داخلی در افغانستان موضوعات مطرحی هستند که تأثیراتی بر امنیت ملی و روابط دوجانبه دو کشور داشته است (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۴۳).

جمهوری اسلامی ایران برای رفع تهدیدات امنیتی خود، افغانستان را در حلقه محیط فوری امنیتی خود قرار داده است. در چارچوب تنظیم سیاست خارجی و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، عنصر ژئوپلیتیک، نقش مسلط در جهت‌گیری سیاست خارجی در حلقه محیط فوری امنیتی دارد. ماهیت و ویژگی تهدیدها در این حلقه همچون خطرهای ناشی از گسترش جنگ داخلی، رقابت‌های قومی - مذهبی، مسائل مربوط به جابه‌جایی جمعیت و پناهندگان، بی‌ثباتی بر اثر خلأ قدرت، فعالیت‌های تروریستی و غیره به گونه‌ای است که ایران سیاست خارجی عمل‌گرایانه را برای تعامل یا تقابل با افغانستان انتخاب می‌کند؛ بنابراین از یک طرف منوط ساخت قدرت و محیط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، رویکرد سیاست خارجی را بر مبنای ژئوپلیتیک استوار می‌سازد و از طرف دیگر عنصر ایدئولوژیک مطرح است که در افغانستان با بهره‌گیری از هزاره‌های شیعه و تاجیک‌ها، زمینه‌های افزایش نقش و چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران را در رفع تهدیدهای امنیتی فراهم می‌آورد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران نه تنها به عنوان یک کشور اسلامی به سرنوشت افغانستان علاقه‌مند است بلکه ملاحظات امنیتی این علاقه‌مندی را با توجیه ملی و دستیابی به منافع خاص روبه‌رو می‌سازد (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

جمهوری اسلامی ایران همواره در تحکیم روابط خود با افغانستان گام برداشته و در مقاطع حساس در کنار این کشور بوده است. به طور مثال با اشغال نظامی افغانستان توسط قوای اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که از خود واکنش نشان داد. همچنین، پس از پیروزی مجاهدین بر نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل حکومت اسلامی در کابل، جمهوری اسلامی ایران از نخستین کشورهایی بود که حکومت اسلامی را به رسمیت شناخت و در صدد کمک و حمایت از آن برآمد. با ظهور طالبان در سال ۱۹۹۴ میلادی و تصرف هرات توسط طالبان و شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف بر شدت نگرانی و عکس‌العمل ایران افزوده شد و در نهایت با تندروری طالبان بنیادگرا در برپا کردن یک رژیم با ثبات که پس از اشغال کابل در ۱۹۹۶ به صورت آشکار مشخص شد، فرصتی تاریخی برای بازگشت بنیادگرایی سنتی فراهم کرد و این باعث شد تا نگرانی جمهوری اسلامی ایران دوچندان شود (شفیعی، ۱۳۸۲: ۸۲۷).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت‌گیری طالبان به شدت در پی ایجاد راهکارهایی بود که بتواند از ضررهای بیشتر از جانب آن‌ها جلوگیری کند. در اصل چهار دلیل عمده برای تقابل ایران با طالبان وجود داشت:

- ۱- نگرانی از تسلط افراط‌گرایان سنی در افغانستان که از مهم‌ترین همسایگان این کشور است،
- ۲- پشتیبانی شدن آن‌ها توسط رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و متحدان آمریکا، همچون پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی که این در تضاد با منافع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران بود،
- ۳- شکل‌گیری یک ملی‌گرایی پشتون که با متحدان طبیعی جمهوری اسلامی ایران همچون هزاره‌های شیعه و تاجیک‌ها در تضاد بودند و با وجود این ساختار قومی و نژادی در جامعه افغانستان کاملاً روشن بود که طالبان به تنهایی نمی‌توانست ثبات و امنیت را در افغانستان برقرار کند.
- ۴- جمهوری اسلامی ایران طالبان را به عنوان تروریست‌های مواد مخدر می‌شناخت که پناهگاهی را برای سازمان‌های تروریستی به وجود آورده‌اند (شفیعی، ۱۳۸۲: ۸۲۷).

به طور کلی ظهور طالبان در افغانستان از چندین جهت موجبات تهدید امنیت ملی ایران گردید که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ایجاد یک رقیب ایدئولوژیک و گسترش دهنده رفتار سیاسی سلفی‌گری، کاهش قدرت نسبی جبهه‌ی شمال که مورد حمایت ایران بود، نفوذ گسترده‌ی پاکستان و عربستان به عنوان رقبای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک در افغانستان که از یک طرف متحدان اصلی آمریکا به شمار می‌رفتند و از طرف دیگر حامیان اصلی طالبان بودند و در نهایت حمایت‌های ایالات متحده از طالبان را نام برد. تحلیلگرانی همچون پیروز مجتهدزاده، هدف ایالات متحده در پشتیبانی از طالبان را در آن مقطع این گونه بیان می‌کند که: در جناح خاوری ایران رژیم حاکمیت پیدا کند که دچار جنون ضد شیعی و ضد جمهوری اسلامی ایران باشد و به عنوان حلقه‌ای از زنجیره آمریکایی محاصره استراتژیک ایران نقش آفرینی کند. در عین حال ایالات متحده امیدوار بود با حاکمیت طالبان موجبات تأسیس لوله‌های گازسانی ترکمنستان به دریای آزاد از راه افغانستان و پاکستان واقعیت یابد و برنامه منزوی ساختن ایران در ژئوپلیتیک نفت و گاز خزر - آسیای مرکزی تکمیل شود؛ بنابراین از طرف جمهوری اسلامی ایران باید سیاست مناسبی در قبال تحولات افغانستان اتخاذ می‌شد که می‌بایست مشخصاً بر دو عامل گریز از واکنش و نیز آینده‌نگری و برآورد درست از نقش و توان بالقوه و بالفعل طالبان در شکل دادن به تصویر منطقه‌ای مورد نظر نیروهای نیمه پنهان و مؤثری که طالبان را رشد داده یا از عملکرد آن‌ها سود می‌برند، استوار باشد. به طور کلی، تعارضات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در زمان طالبان در افغانستان بر اساس این نکته بود که از یک طرف جمهوری اسلامی ایران از حفظ وضع موجود یعنی قدرت‌گیری ائتلاف شمال پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌کرد و از طرف دیگر آمریکا خواهان حمایت از طالبان و برهم زدن وضع موجود بود تا اینکه با وقوع حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و اشغال افغانستان توسط آمریکا و سقوط طالبان، معادلات امنیتی و منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران دچار تغییرات بنیادین شد و تهدیدات امنیتی نیز با زمینه‌های متفاوتی با گذشته روبرو گشت (زرقانی، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

مهم‌ترین دغدغه و خواست جمهوری اسلامی ایران در افغانستان ثبات و امنیت پایدار این کشور است زیرا یک افغانستان بی‌ثبات، ثبات جمهوری اسلامی ایران به ویژه استان‌های هم‌مرز مناطق غربی افغانستان را تهدید می‌کند. در اینجا باید اشاره کرد، طرح دولت - ملت‌سازی در افغانستان که موضوع اصلی کنفرانس بن ۱ نیز بود را باید در سه سطح تحلیل در نظر گرفت؛ در سطح داخلی ماهیت جامعه افغانستان در سطح منطقه‌ای سیاست کشورهای منطقه مانند پاکستان که مانعی را در این مسیر ایجاد می‌کنند و در سطح جهانی آثار اشغال این کشور مطرح است؛ بنابراین ثبات در افغانستان در سایه پایه‌های سه‌گانه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی قابل حصول خواهد بود. در سطح داخلی حصول فهم مشترک بین اقوام و گروه‌های مختلف در سطح منطقه‌ای همکاری پایدار کشورهای همسایه در عرصه افغانستان و در سطح جهانی یاری رساندن بدون تحمیل الگوهای بیگانه بر ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه افغانستان، پایه‌های اصلی ثبات در افغانستان را محکم خواهند کرد (خامه یار، ۱۳۸۹: ۷۴).

هدف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان با تکمیل دولت - ملت‌سازی در این کشور کاملاً منطبق می‌باشد. شاید بتوان ادعا نمود چنین انطباقی را در مورد هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای حاضر در صحنه افغانستان نتوان یافت.

با توجه به این که هدف این مقاله بررسی مسائل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار افغانستان به ویژه ترانزیت مواد مخدر و ناامنی مرزی بر امنیت ایران است در ادامه به تحلیل و بررسی این دو موضوع پرداخته می‌شود.

۱- ترانزیت مواد مخدر

مسئله مواد مخدر و قاچاق آن در سال‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. این مسئله که متأثر از تحولات افغانستان به عنوان تولیدکننده بیشترین مواد مخدر دنیا می‌باشد؛ به صورت روزافزون موجب بروز مشکلات سیاسی - اجتماعی عدیده‌ای در جمهوری اسلامی ایران شده است. تجارت غیر قانونی مواد مخدر نه تنها تهدیدی جدی برای امنیت افغانستان و برنامه بازسازی آن است، بلکه همچنین ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را مختل می‌سازد. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و در شرایط حضور نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان نرخ تولید مواد مخدر و ترانزیت آن افزایش یافته است این در حالی است که آمریکا به صراحت اعلام کرده که هدف از حضورش در افغانستان مبارزه با مواد مخدر نبوده، بلکه هدف اصلی مقابله با تروریسم می‌باشد. آمریکا با بی‌توجهی نسبت به میزان کاشت و برداشت مواد مخدر، در صدد است با سودی که از آن به دست می‌آید، مانع بروز شورش‌های اجتماعی در افغانستان شود و بهانه حضور آمریکا و غرب پایدار بماند از سوی دیگر، تجارت مواد مخدر می‌تواند به ناامنی مرزها و اخلاف در امور کشورهای همسایه بالخصوص جمهوری اسلامی ایران و پاکستان را دامن زند که آمریکا از این مسئله منتفع می‌گردد. همچنین براساس ارزیابی صندوق توسعه و تجارت ملل متحد - آنکتاد - تولید هروئین در افغانستان پس از اشغال آن توسط آمریکا یعنی در سال ۲۰۰۲ حدود ۶۷۵ درصد افزایش داشته است. (World Drug Report, 2011: 21).

جدول شماره ۱- میزان تولید مواد مخدر در افغانستان

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	
میزان تولید	۴۸۰۰	۳۲۰۰	۶۹۰	۷۷۰	۸۲۰	۶۷۰	۶۷۰	۴۱۰	۴۲۰	۳۶۰	۳۶۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰

Source: United Nation Office on Drug and Crime, The Opium Situation in Afghanistan, August 29, 2011.

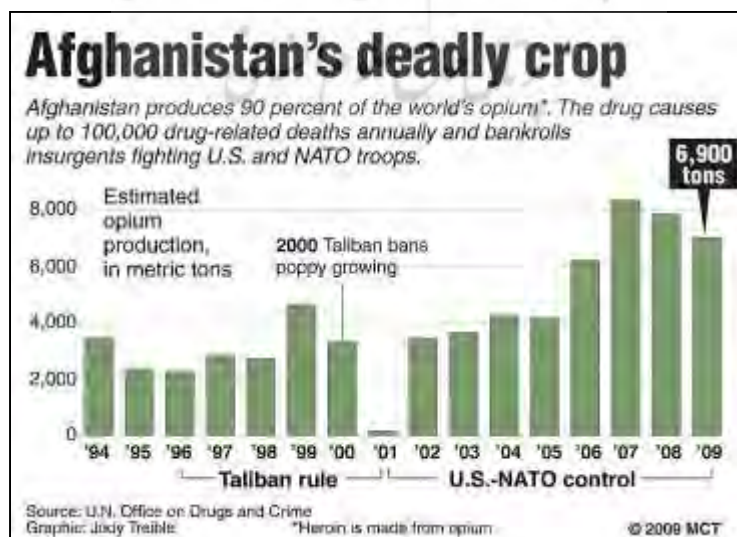
جدول فوق نشان می‌دهد که تولید مواد مخدر در افغانستان در سال‌های اخیر نوسانات زیادی داشته و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ افزایش یافته که بیشتر ناشی از حضور نیروهای اشغالگر به ویژه آمریکا و سیاست‌های این کشور می‌باشد.

از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای انتقال مواد مخدر به اروپا و آسیای میانه است، آسیب‌پذیرتر از دیگر کشورهای منطقه‌ای نیز هست. یکی از نتیجه‌های ورود کلان این مواد به ایران، بالا رفتن آمار معتادان و جرم و جنایت‌های ناشی از ترانزیت و توزیع این مواد در کشور بوده است. به‌عنوان نمونه تا سال ۱۳۴۲ تعداد معتادان به هروئین در ایران ۴ هزار نفر بوده است. این رقم در سال ۱۳۶۰ به حدود یک میلیون نفر و در سال ۱۳۷۹ به ۵/۲ میلیون نفر رسیده است. علاوه بر این تنها طی سال ۱۳۶۸، حدود ۸۰ درصد زندانیان ایران در ارتباط با مواد مخدر دستگیر و زندانی شده بودند (یزدانی و بدخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که امروزه طالبان با بازبانی قدرت خود، از درآمد حاصل از فروش مواد مخدر برای تأمین هزینه جنگ علیه نیروهای خارجی و دولت افغانستان استفاده می‌کند. در واقع، یکی از دلایل

قدرت‌یابی مجدد طالبان در سال‌های اخیر تولید مواد مخدر با استفاده از ابزار ترغیب و تهدید کشاورزان از سوی بقایای طالبان می‌باشد. گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل اشاره می‌کند که بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ گروه طالبان از مالیات و تجارت کشت مواد مخدر، سالانه ۱۹۰ میلیون دلار درآمد داشته است (World Drug Report, 2011: 63). از طرف دیگر آمریکا هیچ تعهدی را در زمینه نابودی زمین‌های کشت خشخاش و جلوگیری از قاچاق آن، برای خود در نظر نگرفته است و حتی در بسیاری از موارد با دنبال کردن سیاست عدم مقابله با افغان‌ها در کشت و تولید مواد مخدر، از آن به عنوان ابزاری که دارای سودی دوجوهی است، بهره برده است. از یک طرف از بیکاری روزافزون در افغانستان جلوگیری کرده و افغان‌ها را مشغول نگاه می‌دارد، بدین دلیل که کشت خشخاش در افغانستان از هر محصول جایگزین دیگری مقرون به صرفه‌تر است و از سوی دیگر خود نیز با قاچاق و بهره‌برداری از آن به سود سرشاری می‌رسد. از دید آمریکا مبارزه با مواد مخدر می‌تواند خود به عاملی آشوب ساز و ضد نظم در جامعه افغانستان تبدیل شود؛ زیرا در حال حاضر مهم‌ترین منبع درآمد مردم افغانستان را تولید مواد مخدر تشکیل می‌دهد و اگر آمریکا بخواهد این مهم‌ترین منبع ارتزاق مردم را قطع کند با شورش‌های اجتماعی مواجه می‌شود (شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۱۴). مسئله مواد مخدر ناشی از کشت خشخاش و مشتقات آن برای جمهوری اسلامی ایران یک مقوله امنیتی است که نه تنها باعث تحمیل هزینه‌های مادی و انسانی و افزایش حجم مواد مخدر در کشور شده و می‌شود، بلکه در مناطق شرقی کشور ابعاد گسترده‌تری یافته و به نوعی با مطالبات قومی و محلی پیوند می‌خورد (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۴).

از آنجایی که بین ثبات و امنیت افغانستان و میزان کشت و تولید مواد مخدر رابطه تنگاتنگی وجود دارد، نمی‌توان در جمهوری اسلامی ایران مبارزه‌ای جدی و قاطع و بازدارنده علیه ترانزیت و حمل و نقل مواد مخدر انجام داد بدون آن که در داخل افغانستان ثبات کافی و دولت مرکزی قدرتمند و مسئول به وجود آید که بتواند با کشت خشخاش مبارزه کند و همان‌گونه که در مورد سیاست‌های آمریکا در قبال ایجاد دولت مرکزی قدرتمند بحث شد در اینجا نیز باید اشاره کرد که هنوز دولت مرکزی قدرتمندی برای کنترل تولید و قاچاق مواد مخدر ایجاد نشده است.



۲- ناامنی مرزی

ایران با ۶۳۹ کیلومتر مرز با افغانستان و قرار گرفتن در مسیر انتقال مواد مخدر آسیب‌های فراوانی را متحمل گردیده است و هزینه‌های سنگینی را بابت آن پرداخت نموده است. مبادی اصلی ورود مواد مخدر مرزهای شرقی بوده به طوری که ۵۵ درصد کشفیات مواد مخدر از دو استان خراسان و سیستان و بلوچستان به دست آمده است. این تجارت توأم با خشونت و شرارت می‌باشد اما در ایران بنا بر عواملی دامنه این شرارت و ناامنی بیشتر شده است. قبل از انقلاب فئودال‌ها و خوانین محلی در ازای اخذ امتیازاتی، مناطق مرزی را کنترل و در اختیار خود داشتند که با وقوع انقلاب این ساختار درهم ریخت؛ اما با خلاء قدرت در اوایل انقلاب و طی جنگ تحمیلی، آن‌ها به قاچاق مواد مخدر و ایجاد شرارت و ناامنی مانند قتل و غارت، اخاذی و گروگان‌گیری و موارد دیگری روی آوردند (محمدی و غنجدی، ۱۳۸۵: ۹۰).

مقابله با این‌گونه شرارت‌ها که ضریب امنیتی منطقه مرزی را کاهش می‌دهد تنها با اختصاص امکانات، وقت و نیروی انسانی فراوان از سوی دولت مسیر است. سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی مستلزم وجود امنیت و اطمینان خاطر سرمایه‌گذاران است؛ اما گسترش قاچاق مواد مخدر در مناطق مرزی به ناامن کردن فضای سرمایه‌گذاری به‌طور اخص در آن مناطق و به‌طور عموم در کل کشور انجامیده است (مختاریان، ۱۳۸۲: ۷۷). وجود ناامنی که عمدتاً با توجه به نبود شناخت دقیق از این مناطق به شکل اغراق‌آمیزی نیز بازتاب می‌یابد، موجب بی‌میلی سرمایه‌گذاران گردیده و از سویی دیگر دولت مرکزی برای مقابله با این روند، ناچار از تشدید اقدامات امنیتی و نظارت متمرکز بر اموری است که در مناطق امن‌چنین موضوعیتی ندارد، تعداد ایست‌های بازرسی در مسیرهای منتهی به مرزهای شرقی باعث تبدیل آن‌ها به پادگان نظامی گردیده است. انجام چنین اقداماتی که گریزناپذیر است به هر حال تأثیر منفی در امر سرمایه‌گذاری به وسیله بخش خصوصی داشته و بر میزان هزینه‌های دولتی می‌افزاید. به همین دلیل، پس از انقلاب اکثر سرمایه‌گذاری‌ها در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان تنها توسط دولت صورت گرفته که با این وجود این مناطق هنوز در شمار نواحی محروم به شمار می‌رود (همان، ۱۳۸۲: ۷۷).

عوااید حاصل از فعالیت‌های تجارت مواد مخدر در دیگر فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری شده و به علت وجود قابل توجهی که در دسترس دارند به آن‌ها کمک می‌کند محصولات و خدمات خود را با قیمتی کمتر عرضه کرده و قادر هستند دیگر شرکت‌ها را از میدان رقابت خارج کنند و باعث تضعیف بخش قانونی می‌گردند (امیرخیزی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

مجاورت ایران با افغانستان به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تولید و انتقال مواد مخدر، سبب ناامن جلوه دادن ایران در نزد جهانیان گردیده که این خود باعث نظر منفی سرمایه‌گذاران خارجی و جلب توریسم گردیده است. همچنین، پیامدهای این پدیده می‌تواند از تحرک سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو ۱ کاسته و موجب زیان‌های اقتصادی فراوانی گردد (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

از عمده‌ترین اهداف استکبار جهانی به سرکردگی امریکا منزوی کردن ایران درمشان دو انبار بزرگ انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر (آسیای مرکزی) بوده و بر همین اساس نیز کشورهای منطقه‌ای در یک رقابت شدید

سعی داشته تا نظر کشورهای تولیدکننده نفت و گاز منطقه و کمپانی‌های نفتی سرمایه‌گذار را به خود جلب کند. در این میان پاکستان که خود از این رهگذر بهره زیادی می‌برد با راه انداختن یک جنگ خانمان‌سوز در افغانستان توسط گروهک طالبان و انجام قتل عام‌های وسیع و مجبور کردن مردم به کوچ اجباری در صدد بود تا با ایجاد امنیت در مسیر خط لوله نفت و گاز از طریق افغانستان، نفت مناطق آسیای میانه-خزر را به بازارهای بین‌المللی صادر نماید و سرمایه‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران را که با مخالفت استکبار جهانی روبرو بود، عقیم گذارد. با ظهور طالبان این خواسته برآورد نشد و با ورود امریکا به صحنه افغانستان روابط دو کشور افغانستان و پاکستان به تیرگی گرائید و در واقع تضمینی برای امنیت صدور انرژی به وجود نیامد. عملکرد طالبان در صحنه سیاست افغانستان، پیامدهای ناگواری را برای جمهوری اسلامی ایران داشته که با رفتن آن هنوز ریشه‌ها و بقایای این عملکرد باقی است و وضعیت‌ها و سناریوهای مختلفی را بر نظام ما تحمیل می‌کند (همان، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

با توجه به وضعیت فعلی افغانستان و عدم توانای دولت آن در ساماندهی اوضاع جاری، به نظر می‌رسد بحران‌های گذشته که ناشی از هویت و مشروعیت در نظام افغانستان بوده است هم‌اکنون نیز ادامه داشته و با توجه به ضعف اقتصادی، فرهنگی و... ادامه نزاع‌های داخلی و حضور سیاسی امریکا در این کشور، قسمت شرقی مرزهای ما همچنان دچار آشوب و هرج و مرج بوده و ناآرامی‌های مکرر موجبات حضور و رقابت قدرت‌هایی نظیر امریکا، انگلیس، پاکستان و... را فراهم نموده است (شفیعی، ۱۳۸۱: ۲۹).

بر اثر تهاجم ارتش شوری به افغانستان، سیل مهاجرت به کشورهای همسایه و جمهوری اسلامی ایران روانه شد و متعاقب تهاجم امریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به این کشور نیز سیل مهاجرت تشدید و بر دامنه نامنی کشورها افزوده شد. در سال‌های اخیر هرچند بازگشت مهاجرین به کشورشان شروع شده اما از تبعات نامنی آن‌ها کاسته نشده و امروز انبوهی از مهاجرین افغانی به صورت غیرمجاز در کشور ما اقامت داشته و بعضاً با ارتکاب جنایاتی بدون گذاشتن ردپایی به راحتی از کشور خارج می‌شوند. بنا به گفته یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی (نماینده سابق مردم شاهرود آقای کاظم جلالی)، از سه میلیون و دویست هزار مهاجر افغانی که در کشور ما اقامت دارند تنها ۱۷ نفر اقدام به پرداخت مالیات می‌کنند. بسیاری از این افغانه پول‌های خود را در کشور هزینه نکرده و آن را از کشور خارج می‌کنند (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

در حال حاضر نزدیک به یک میلیون و چهار صد هزار نفر مهاجر افغانی در ایران بصورت بی‌ضابطه در سراسر کشور پراکنده می‌باشند که طبق اعلام منابع رسمی، ۹۵ درصد آن‌ها فاقد مدرک شناسایی هستند و خارج از اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند و به عبارتی این مهاجرین بطور غیرمجاز وارد کشور شده و آزادانه زندگی می‌کنند. طبیعی است که این افراد مهاجر، نقش‌های مخربی در کشور ما داشته و دارند. چنانچه سردار قالیباف (فرمانده نیروی انتظامی ج.ا.) گفته است: اشرار با هماهنگی و کمک این عده از هم‌وطنان خود قادر به گروگان‌گیری و ایجاد ناامنی می‌شوند

بر اثر تحمیل جنگ‌های خارجی بر کشور افغانستان و همچنین نزاع‌های داخلی، کشور جمهوری اسلامی ایران از بابت مهاجرت افغانه دچار آسیب‌پذیری شده است. از پیامدهای مهاجر افغانه می‌توان به افزایش جرم و جنایت، تخلفات و بزه‌کاری‌ها، بالا رفتن سرقتی مغازه‌ها و افزایش اجاره خانه‌ها و گرانی مسکن در نقاط شهری، شرق

و جنوب شرقی کشور، تشدید تردهای غیرقانونی در دو سوی مرز در قالب راهزنی، گروگان‌گیری، اخاذی و شکنجه گروگان‌ها، فعال شدن در امر قاچاق کالا و قاچاق مواد مخدر، بر هم زدن تعادل و توازن جمعیت شیعه و سنی، تشکیل گروه‌های قومی و مذهبی در مراکز شهری از جمله مشهد و زاهدان، پیامدهای متعدد بهداشتی از جمله گسترش بیماری‌های تناسلی و کاهش سطح بهداشت، وارد کردن فشار بر امکانات خدماتی و زیربنایی، خرید زمین‌های زراعی و پدیدار شدن مسئله پیچیده مالکیت آن‌ها در جدار مرز، تغییر بافت مذهبی به‌ویژه در نواحی مرزی و برخی از مراکز شهری جنوب شرق، راه‌یابی و نفوذ عوامل مزدور و جاسوس و دیگر پیامدهای امنیتی در ابعاد مختلف، افزایش نرخ بیکاری و پائین آمدن سطح دستمزدها، ازدواج افغانه با دختران شیعه و... اشاره کرد که در بعد ملی یک بحران فاجعه‌آمیز تلقی می‌گردد (جان پرور، ۱۳۸۹: ۳۶).

وهابیت که با سرمایه‌گذاری گسترده‌ای شکل گرفته و توسعه یافته است به دلیل نزدیکی مذهب اهل سنت حنفی در افغانستان و نیز وجود مذاهب اهل سنت حنفی در حاشیه شرقی و سایر مناطق سنی نشین کشورمان، تبلیغات وسیع خود را شروع نموده و در این رهگذر اکثر مولوی‌های سنی مذهب را تحت پوشش قرار داده و با ایجاد تسهیلات اقتصادی و فرهنگی، موجب تنش‌های فراوانی در منطقه شده است. سپاه صحابه در پاکستان و حزب الفرقان که با شیوه‌های نظامی موجبات ناامنی را در شرق کشور و کشورهای دیگر فراهم نموده و به دنبال منویات وهابیت، حرکت و شکل گسترده‌ای به خود گرفته‌اند. تشکیل گروه‌های تروریستی برای شناسایی و ترور ایرانیان و طرفداران انقلاب اسلامی و شرکت در ترور، تخریب و آتش زدن اماکن شیعیان و ایجاد بحران در مناطق مرزی از عمده فعالیت‌های آنان می‌باشد. فقر اقتصادی و فرهنگی حاکم بر نواحی مرزی شرق کشور باعث شده که مردم مناطق سنی نشین، تحت تأثیر القائنات وهابیت قرار گرفته و آن‌ها با چنین اقدامات مخربی سعی در تغییرات بافت جمعیتی و بروز ناامنی دارند (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۵۸۷).

در طول دو دهه گذشته تهدید نظامی عمده‌ای از جانب افغانستان در مرزهای فیما بین در کشور متصور نبوده که منجر به درگیری‌های گسترده نظامی شود ولی درگیری‌های مقطعی، محدود و پراکنده در سراسر نوار مرزی حتی در عمق نظیر شرارت‌های مرزی وجود داشته است که این شرارت‌ها توسط افراد باغی، منافقین، عوامل گروهک طالبان و یا عوامل وهابی نظیر سپاه صحابه، حزب الفرقان و... از جمله تهدیدات موجود در نوار مرزی بوده که عمدتاً با گروگان‌گیری، عملیات چریکی، تخریب اماکن، ترور و... همراه بوده است. در حال حاضر شرارت‌های محلی در مرز با انتقال مواد مخدر توأم گشته و ترکیب جدیدی از تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در شرق کشور به وجود آورده است (بزی، ۱۳۸۵: ۲۳).

رودخانه هیرمند که آب‌های بخش وسیعی از کشور افغانستان را جمع‌آوری می‌کند، در عین حال تقسیم‌کننده مرزهای بین‌المللی ایران و افغانستان نیز بشمار می‌رود. پس از جدایی افغانستان از ایران تاکنون ۱۲ بار کمبود آب وارداتی از هیرمند سبب بحران‌های اجتماعی وسیعی در سیستان شده و مشکلات عدیده‌ای را برای مردم سیستان به‌ویژه زابلی‌ها داشته که منجر به آوارگی و پراکندگی آن‌ها در سطح کشور شده است (ستاره و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷).

حقابۀ رود هیرمند و اختلاف بر سر آن همواره مورد تنش بین ایران و افغانستان بوده که در نتیجه این تنش‌ها موجبات ناامنی طرفین، خشک‌سالی پنج سال گذشته در منطقه و استفاده بیشتر افغانستان از آب رود هیرمند، سبب قطع کامل آب هیرمند گردیده است (ملکلی، ۱۳۸۳: ۶۶).

عدم وجود اشتغال مناسب، سطح پایین رفاه و فرهنگ، تعارض‌های فرهنگی و قومی و مذهبی، وجود برخی جریان‌های مرکز گریز، فعالیت جریان‌های تند مذهبی متأثر از خارج مرزها، عدم مدیریت صحیح، نبود کنترل کامل بر مناطق مرزی در مرزهای شرقی از جمله دلایلی است که بر ناامنی در سیستان و بلوچستان دامن زده است. خویشاوندی برخی بلوچ‌های ایرانی با بلوچ‌های پاکستان و نیز افغانستان و اخذ تابعیت پاکستان همزمان با تابعیت ایرانی، فعالیت کم بازارچه‌های مرزی، مشارکت در شغل‌های کاذب یا غیرقانونی، جذب شدن به باندهای قاچاق مواد مخدر و شرارت، عدم رفاه اقتصادی و اجتماعی مناسب در منطقه و توسعه نیافتگی و عدم کنترل و انسداد کامل مرزها همگی از عواملی است که ریشه در اتفاقات تروریستی دارد (والش، ۱۳۸۶: ۴۳).

بیکاری و عدم توسعه یافتگی از مهم‌ترین دلایلی است که بسیاری از جوانان و خانواده‌های فاقد سواد و شغل را بر آن داشته است تا برای امرار معاش به مشاغل کاذب از جمله قاچاق سوخت، قاچاق انسان، مواد مخدر و یا خرید و فروش کالاهایی غیر مجاز که از آن سوی مرز به این استان وارد می‌شود روی بیاورند.

فعالیت حامیان رادیکالیسم اسلامی با گرایش‌های تند نزدیک به جریان سلفی و وهابیت که عامل تشدید فرقه‌گرایی مذهبی است و همچنین روحیه استقلال طلبی و ناسیونالیسم بومی که تنها منافع را در دایره قوم و قبیله خود جستجو می‌کند از جمله عوامل ناامنی در مرزهای شرقی ایران است.

اختلافات سیاسی ناشی از قومیت‌گرایی، قدرت طلبی جناح‌ها، تمایلات واگرایانه و وجود سلاح فراوان در میان قبایل و طوایف که تسلیح را بخشی از هویت و اقتدار خود دانسته و از سلاح به عنوان ناموس خود یاد می‌کنند از جمله مشکلاتی است که به ایجاد ناامنی‌های در منطقه دامن زده است (حق شناس و یوسفی، ۱۳۸۹: ۹۶).

به دلیل رواج زندگی عشیره‌ای و طایفه‌ای بسیاری از افراد به محض ایجاد اختلاف با برداشتن سلاح و مجازات یکدیگر با گلوله سعی در مجازات یکدیگر می‌گیرند که متأسفانه این موضوع علاوه بر ایجاد فضای ناامنی تاکنون به فرار بسیاری از سرمایه‌ها منجر شده است.

گذشته از مسائل داخلی و سهم خواهی مای بی حد مرز جریان‌های مختلف بسیاری از عوامل ناامنی در مرزهای شرقی ایران متأثر از وضعیت مرزهای شرقی و تأثیرات نامطلوب همسایگان است که تاکنون تدبیر شایسته‌ای از طرف دولتمردان برای حل آن در نظر گرفته نشده است.

متأسفانه تمایل دولت پاکستان به همکاری بیشتر با آمریکا، ناتوانی سرویس اطلاعاتی این کشور در مقابله با اشرار مرزی، وجود برخی عوامل حمایت کننده از اشرار ضد ایرانی در سرویس امنیتی پاکستان، عدم حاکمیت دولت مرکزی بر برخی از مناطق ایالتی از جمله برخی مناطق هم مرز با ایران، حضور مانوران اطلاعاتی کشورهای غربی نظیر آمریکا و انگلیس در منطقه از جمله عواملی است که منشأ آن در آن سوی مرزها است و به ایجاد ناامنی در منطقه کمک می‌کند (متولی حقیقی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

فعالیت باندهای شرور اعم از اشرار سیاسی معاند یا مجرمان و اعضای باندهای جرائم سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر در مناطق مرزی، عدم همکاری جدی در استرداد مجرمان فراری به افغانستان، اختلاط جمعیت دو سوی مرز با یکدیگر و آسیب‌های فراوان ناشی از این حالت نظیر ایجاد زمینه‌های تجزیه‌طلبی قومی، بیکاری و محرومیت شدید اقتصادی در افغانستان که مولد جرائم زیادی در ایران است همگی از مشکلاتی است که با ناامنی‌ها و شرارت در شرق ایران گره‌خورده است (عباسی، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

فعالیت حامیان رادیکالیسم اسلامی با گرایش‌های تند نزدیک به جریان سلفی و وهابیت که عامل تشدید فرقه‌گرایی مذهبی است، قاچاق انسان، سلاح و مهمات، کالا و سوخت، فعالیت گسترده باندهای قاچاق مواد مخدر، افزایش حمایت آمریکا و قدرت‌های خارجی از تمایلات واگرایانه در درون اقوام ایرانی و پاکستانی، نفوذ و سرمایه‌گذاری برخی کشورها در مناطق ایالتی پاکستان مثل عربستان و امارات نیز از فاکتورهایی است که نمی‌توان در ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی نادیده گرفت.

وجود جمعیت بالای بیکار در افغانستان و مهاجرت مداوم آن‌ها به ایران برای کار، تشدید تولید مواد مخدر در افغانستان و افزایش قاچاق آن به سمت ایران، عدم حاکمیت دولت مرکزی بر مناطق همجوار با مرزهای ایران و استفاده افغانستان از آب هیرمند به بهانه خشک‌سالی برای فشار به ایران و وجود مثلث طلایی در هم‌جواری مرزهای شرقی از دلایل بی‌ثباتی و شرارت‌های متعدد در مرزهای شرقی است.

فقر فرهنگی و اقتصادی مردم مرزنشین آن‌سوی مرز و نفوذ باندهای فرصت‌طلب و سودجو در میان آن‌ها از عوامل عمده ناامنی و بروز حوادث مختلف مرزی از قبیل تجاوزات زمینی، درگیری مسلحانه با اشرار و قاچاقچیان، راهزنی و سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی و تردهای غیرقانونی در مرز است.

- نتیجه‌گیری

افغانستان به‌عنوان اولین قطب تولید مواد مخدر در جهان برای تمامی کشورها شناخته شده است. با توجه به موقعیت گذرگاهی ایران که در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا قرار دارد و هم‌مرزی این کشور با استان خراسان رضوی، دارای بار امنیتی و سیاسی برای این استان می‌باشد.

علاوه بر آن‌که مرزها دارای مواهب مثبت و ارزشمندی در ارتباط با داد و ستد و بازرگانی برای مرزنشینان و بهزیستی آن‌ها می‌باشد، مرزهای شرقی کشور به دلیل گستردگی برای گذر کاروان‌های مواد مخدر همواره مصائب و مشکلاتی را برای مرزنشینان به وجود آورده است. از طرفی فقدان حکومتی فراگیر و قوی در افغانستان و در نتیجه عدم کنترل مرزهای خود و انتقال بار نگهداری آن به کشور ایران و از طرفی دیگر نقش برجسته و مهم مرزها در اقتدار و حاکمیت دولت‌ها، ایران را وادار ساخته است برای کنترل مرزهای خویش بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها را داشته باشد.

موقعیت جغرافیایی و مرزهای مشترک افغانستان با کشورهای هم‌چین و ایران و نزدیکی مرزهایش به روسیه و شبه قاره هند و مجاورت با منطقه خاورمیانه موجب اهمیت روزافزون این کشور شده است. از اواخر سال ۲۰۰۱ و پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، افغانستان به کشوری محوری در عرصه بین‌الملل تبدیل گردید. به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر و در پی عدم توجه طالبان به اولتیماتوم ایالات متحده در

خصوص تحویل سران القاعده به این کشور، نیروهای نظامی آمریکا به همراه نیروهای نظامی ۱۱ کشور دیگر با استناد به قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۶۸ مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل، اقدام به حمله به این کشور کردند که موجب سقوط دولت طالبان و آغاز روند جدیدی در عرصه ملت دولت سازی در این کشور شد. در این سیر تحولی، مواد مخدر به عنوان یک عامل تأثیرگذار نقش جدیدی پیدا کرد.

سابقه تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان به زمان جنگ نیروهای جهادی افغان با نیروهای شوروی بازمی‌گردد. تولید و قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از منابع درآمدی این گروه‌ها برای مقابله با شوروی تبدیل گشت. این تولید پس از خروج شوروی همچنان ادامه پیدا کرد و تنها در سال ۲۰۰۱ میلادی کاهش یافت.

این در حالی است که پس از این سال روند تولید به غیر از دوره‌های دوساله پس از سال ۲۰۰۷ همواره مثبت و روبه رشد بوده است. پس از حضور نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا در افغانستان، تولید و قاچاق مواد مخدر هم چنان به عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی گروه‌های مسلح مخالف روند سیاسی حاکم بر کشور، اهمیت خود را حفظ کرده است؛ به گونه‌ای که برخی از منابع در سال‌های گذشته ادعا کرده‌اند که گروه طالبان در افغانستان از طریق دریافت مالیات ناشی از کشت و ترانزیت مواد مخدر، میلیون‌ها دلار در سال درآمد به دست می‌آورد.

گستره تأثیرگذاری تجارت غیرقانونی مواد مخدر بر افغانستان و کشورهای واقع در مسیر ترانزیت و بازار کشورهای هدف قاچاق، موجب اهمیت و توجه ویژه به جایگاه مواد مخدر افغانستان در مطالعات امنیتی شده است. کشورهایی مانند ایران به دلیل همسایگی با این کشور سالانه متحمل هزینه‌های فراوان مالی و انسانی در عرصه برخورد با این معضل می‌شوند. افغانستان به عنوان مرکز اصلی تولید مواد مخدر دارای تأثیرات امنیتی بر کشورهای پیرامون خود است و موقعیت خاص جغرافیایی و محاط بودن در خشکی به همراه عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به دلیل نزدیکی به سه دهه جنگ و ناآرامی‌های داخلی میان اقوام و مشکلات عدیده داخلی این کشور که باعث گشته است افغانستان به مکانی مناسب برای توسعه کشت و تولید مواد مخدر تبدیل شود.

فعالیت گسترده طالبان در مناطق جنوبی و جنوب غربی و مناطق قبایلی پاکستان با توجه به قرابت‌های فرهنگی و عدم کنترل مؤثر دو کشور بر مناطق مرزی خود، منجر به گسترش فعالیت‌های باندهای قاچاق مواد مخدر در دو سوی مرز شده است. طالبان با استفاده از این تجارت بخشی از منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌نماید. برخی از منابع در سال‌های گذشته ادعا کرده‌اند که طالبان افغانستان از طریق دریافت مالیات ناشی از کشت و ترانزیت مواد مخدر ۹۰ تا ۱۶۰ میلیون دلار در سال به دست می‌آورد. سودآوری تجارت مواد مخدر باعث شده است گروه‌های فعال در این تجارت از جمله زیرمجموعه‌های طالبان هم چون شبکه حقانی و اردوگاه شمشاتو منافع خود را در تداوم بی‌ثباتی در افغانستان و به ویژه حوزه جنوب و جنوب شرق این کشور و نیز پاکستان، به خصوص منطقه قبایلی و ایالات سرحد بدانند. این امر خود مانع از مشارکت این گروه‌ها در روند سیاسی حاکم بر افغانستان و عاملی برای گسترش تجارت مواد مخدر در مناطق مرزی با ایران شده است.

با توجه به ضعف اقتصادی و عدم توسعه، تولید و تجارت مواد مخدر به عنوان شاهرگ حیاتی اقتصاد مناطق جنوبی و جنوب غرب این کشور مطرح است. فعالیت گسترده باندها و کارتل‌های قاچاق مواد مخدر در این مناطق، اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. به گونه‌ای که دولت مرکزی بر این مناطق کنترل مؤثری ندارد. عدم برنامه‌ریزی مناسب در جهت برخورد با تولید مواد مخدر باعث شکست اکثریت برنامه‌های اصلاحی در این کشور گشته است. این امر به شکل مستقیم بر مناطق مرزی کشورهای همسایه تأثیرگذار است؛ چراکه موجب انتقال معضلات مواد مخدر به کشورهای همسایه می‌شود. درآمدهای غیرقانونی ناشی از مواد مخدر، عملاً مانع از شکل‌گیری اقتصاد سالم در کشورهایی هم چون افغانستان و پاکستان است. این درآمدها طی پروسه پول‌شویی و تبدیل پول سیاه به سفید (قانونی)، باعث بالا رفتن قیمت خانه و املاک در این کشورها به صورت کاذب شده و بخش صنعت را با مشکل اساسی مواجه ساخته است. به همین دلیل دولت‌های مزبور بعضاً در سیاست‌های اقتصادی خود با شکست مواجه می‌شوند و قانون‌گریزی به صورت لجام گسیخته از بالاترین تا پایین‌ترین مقامات دولتی را فراگرفته است.

ایران سال‌هاست به دلیل هم‌جواری و داشتن مرز طولانی با افغانستان از پدیده تروریسم آسیب دیده و همواره در حال مبارزه با این پدیده است. با انتقال فعالیت داعش از مرزهای غربی ایران به مرزهای شرقی، چالش‌هایی جدی برای ایران ایجاد خواهد شد. نخست آنکه، فعالیت این گروه به سمت همسایگان شمالی افغانستان یعنی کشورهای آسیای مرکزی گرایش پیدا خواهد کرد. همین موضوع سبب گسترده شدن ناامنی در طول مرزهای شرقی و شمال شرقی ایران خواهد شد. چالش دوم، استفاده ابزاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جریان‌های افراط‌گرایی تکفیری در راستای رقابت استراتژیک است. سوم نیز، حادثه شدن مسئله افغانستان است که بی‌ثباتی و ناامنی ناشی از آن تأثیر جدی بر منافع و امنیت ملی ایران خواهد داشت.

با توجه به اینکه ریشه گروه تروریستی داعش از گروه القاعده در افغانستان بوده از یک‌سو و از سوی دیگر شکست‌های پی‌درپی این گروه تروریستی در کشورهای عراق و سوریه از ماه‌های گذشته و پیش‌بینی احتمالی از دست دادن پایگاه رسمی خود در عراق و سوریه، این انتظار وجود دارد که مقر اصلی و جدید این گروه تروریستی در آینده‌ای نزدیک در افغانستان باشد.

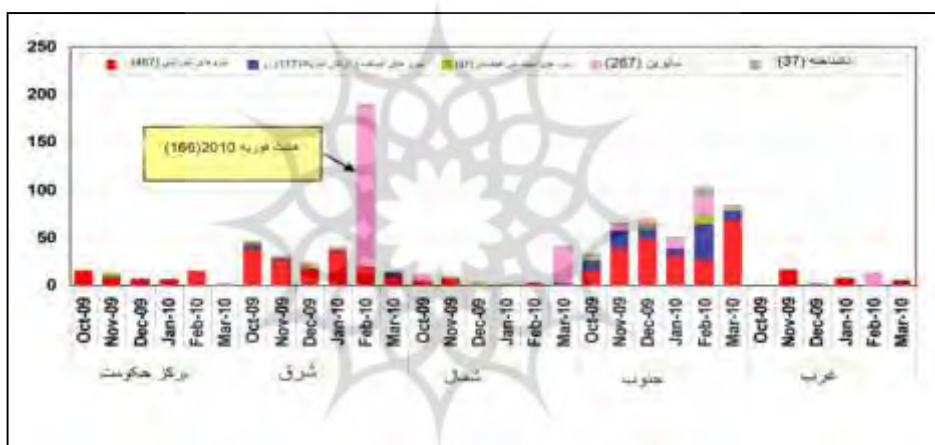
به دنبال شکست طالبان در افغانستان، این فرض وجود داشت که وضعیت کشور به حالت آرامش و ثبات سیاسی سوق پیدا خواهد کرد، اما حوادث بعدی نشان داد گروه طالبان و القاعده هنوز در افغانستان و حتی در پاکستان فعال هستند و زمینه‌های تروریسم در حال گسترش است. در سال‌های اخیر، حملات طالبان از نظر کمی و تعداد و کیفی و شدت تهاجم افزایش داشته است. نیروهای شبه نظامی طالبان، روش‌های تله انفجاری و یا بمب‌گذاری‌های انتحاری را شدت بخشیده‌اند. گزارش‌های دیگر از وخیم‌تر بودن اوضاع حکایت می‌کند. بر پایه گزارش ارائه شده به کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸ میلادی عملیات ضد ناتو از سوی طالبان گسترش بیشتری داشته است. بر پایه این گزارش، درصد اقدامات تروریستی علیه مردم افغانستان، ۳۰ درصد و علیه قوای آمریکا، ۴۰ درصد در مقایسه با سال ۲۰۰۷ افزایش داشته است.

جدول شماره ۲- تعداد عملیات خرابکارانه و تروریستی در افغانستان بین اکتبر ۲۰۰۹ تا مارس ۲۰۱۰

فرماندهی منطقه‌ای	حمله انتحاری	تله انفجاری	آتش غیرمستقیم	آتش مستقیم	کل
جنوب	۱۲۳	۳۵۹۴	۳۴۶	۳۴۶۷	۷۵۳۰
شرق	۶۴	۷۰۸	۷۳۲	۱۲۶۸	۲۷۷۲
غرب	۲۲	۱۸۴	۴۶	۲۶۳	۵۱۵
شمال	۱۴	۱۰۲	۱۹	۲۷۸	۴۱۳
پایتخت	۶	۲۹	۲۰	۲۵	۸۰
کل	۲۲۹	۴۶۱۷	۱۱۶۳	۵۳۰۱	۱۱۳۶۰

منبع: (بزرگمهری، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

گروه‌های شورشی در افغانستان، از قبایل و دستجات متعدد تشکیل شده‌اند که شامل: طالبان که عمدتاً از پشتون‌ها هستند، القاعده، حزب اسلامی گلبدین، حزب اسلامی خالص، شبکه حقانی، شریعت محمدی، لشکر اسلام، لشکر طیبه و جنبش اسلامی ازبکستان می‌گردند. نمودار زیر حجم تلفات قوای مختلف اعم از نیروهای ایساف و آمریکایی، نیروهای امنیت ملی افغانستان، شبه نظامیان شورشی، شهروندان عادی و ناشناخته را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۵- حجم تلفات در اثر حملات گروه‌های شبه نظامی تروریستی (۲۰۱۰-۲۰۰۹)

منبع: (Report On Progress Toward, 2010:23)

با توجه به تعارض و تضاد منافع ایران با ایالات متحده، این کشور در همسایگی افغانستان بیشترین تأثیرات امنیتی را از این حوزه تروریستی داشته است. این تأثیرات عبارتند از:

- ۱- صدور تروریسم به ایران و شکل‌گیری جریان‌های افراطی مذهبی و قومی در جنوب شرق و شرق ایران، مانند گروه تروریستی جندالله و سایر گروه‌های مشابه...؛
- ۲- آسیب‌پذیری مرزی و شکل‌گیری گروه‌های مافیایی مواد مخدر و قاچاق و تشدید ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای شرقی
- ۳- شکل‌گیری مرزهایی با کارکرد امنیتی به‌جای تأکید بر امر توسعه در مناطق مرزی و عدم تبدیل مرزهای شرقی به مرزهای اقتصادی
- ۴- تداوم هجوم مهاجرین و آواره شدگان اتباع افغانی به ایران به دلیل عدم ثبات و امنیت در مبدأ

۵- افزایش سطح بی‌اعتمادی بین کشورهای همسایه و جلوگیری از شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای مثبت و کارا در حوزه امنیتی و سیاسی؛

۶- درگیری ایران با پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم تروریسم و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی ایران این وضعیت به ایران اجازه می‌دهد تا در مورد مهار مخاطرات امنیتی حاصل از شکل‌گیری جغرافیای تروریسم در افغانستان، برنامه‌های امنیتی یک جانبه و چند جانبه را به دست گیرد که خود بر ابعاد پیچیده این مسئله خواهد افزود.

با توجه به پیوندهای جغرافیایی افغانستان با ایران و مرزهای گسترده جغرافیایی این کشور با ایران که حدود ۹۳۶ کیلومتر است. صدور و گسترش جغرافیایی تروریسم در حاشیه شرقی ایران خطر رو به تزایدی خواهد بود که در وهله اول مخاطرات منطقه‌ای ناشی از جغرافیای تروریسم، کشور ایران را متأثر خواهد ساخت.

منابع

آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه‌ی سیاسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مروارید.
آقابخش، علی و مینو افشاری راد (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار. بنائی، رضا (۱۳۷۷)، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، جلد ۴، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

امیر خیزی، محمدرضا (۱۳۸۵)، چالش‌های استراتژیک حاصل از کشت و تجارت مواد مخدر در افغانستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۶ و ۵

بدیعی زنداهی، مرجان و سعید رحیمی هرآبادی و سعید گودرزی مهر (۱۳۹۰)، نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه‌ی مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸

بزرگمهری، مجید (۱۳۸۹)، حضور ناتو در افغانستان و چالش‌های پیش رو، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۸۹، تهران. بزی، خدارحم (۱۳۸۵)، بررسی آثار و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور مهاجرین افغان در شهر زابل، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۳

جان پرور، محسن (۱۳۸۹)، مسائل جهان اسلام: هم‌گرایی و واگرایی در افغانستان، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹۰ حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۵ حق شناس، محمدجواد و عمران یوسفی (۱۳۸۹)، فرصت‌ها و تهدیدهای روند ملت‌سازی در افغانستان برای ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۳

حکمت نیا، حسن (۱۳۸۳)، افغانستان هارتلند آسیا، فصلنامه بیک نور، شماره ۵
خامه یار، حسن (۱۳۸۹)، مروری بر روابط ایران و افغانستان در نیم قرن گذشته، فصلنامه شاهد یاران، دوره جدید، شماره ۵۹
خیرالله، خیرالله (۱۳۸۹)، سیاست و اقتصاد: افغانستان، در ماندگی تنها ابرقدرت را خلاصه کرد، فصلنامه سیاحت غرب، شماره ۸۸
خیرالله، خیرالله (۱۳۸۹)، سیاست و اقتصاد: افغانستان، در ماندگی تنها ابرقدرت را خلاصه کرد، فصلنامه سیاحت غرب، شماره ۸۸
زرقانی، سید هادی (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر در امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان، فصلنامه علوم جغرافیایی، شماره ۱
ستاره، جلال و حمید پناهی و علی شیخی کوهسار (۱۳۹۳)، بررسی اختلاف‌های مرزی ایران و افغانستان (مورد مطالعه: رودخانه هیرمند)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، شماره ۱۰

سلیمانی، فریبا (۱۳۸۱)، مهاجران افغان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۶
سیف، اله مراد (۱۳۸۷)، قاچاق کالا در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، شکل‌گیری همکاری بین‌المللی در مواجهه با تروریسم: فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، تهران: پژوهش علوم سیاسی، شماره ۲، بهار و تابستان.

شفیعی، نوذر (۱۳۸۱)، بازی قدرت در صحنه افغانستان: اهداف و الگوهای رفتاری، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴۰ و ۴۱
شفیعی، نوذر (۱۳۸۲)، ارزیابی راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۲
عباسی، ابراهیم (۱۳۹۱)، عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دو جانبه ایران و افغانستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲۷

عمید، حسن (۱۳۵۵)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

غازی، زلمی محمود (۱۳۵۵)، افغانستان در پنجاه سال اخیر و روابط ایران و افغانستان، فصلنامه یغما، شماره ۳۳۲
غوثی، محمد عارف (۱۳۵۶)، مراحل و نقاط عطف در سیر تحول اقتصاد افغانستان در طول یک قرن، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۳۷ و ۳۸

فاضلی، خادم حسین (۱۳۸۶)، نظام سیاسی افغانستان و تعامل قوای سه گانه، فصلنامه معرفت، شماره ۱۱۵
فیرحی، داود. صمدظهیری (۱۳۸۷)، تروریسم، تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، تهران: فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳.

کریمی، علی (۱۳۷۸)، مدیریت سیاسی در جوامع چند فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

کولایی، الهه (۱۳۸۴)، زمینه‌های بنیادگرایی اسلامی در آسیای مرکزی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۷

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۹۳)، افغانستان و ایران از پیوستگی تا گسستگی، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ، شماره ۳۵

مجتهد زاده. پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، نقش انگلستان در چگونگی شکل‌گیری مرزهای ایران و افغانستان، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۲
محمدی، حمیدرضا و محمد غنچه (۱۳۸۵)، چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران پاکستان و افغانستان)، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳

مختاریان، حسین (۱۳۸۲)، اثرات تجارت مواد مخدر بر تثبیت اقتصاد کلان، فصلنامه اعتیاد پژوهی، شماره ۴

ملکلی، بهنام (۱۳۸۳)، رودخانه هیرمند و چالش‌های پیش‌رو، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰

میرحیدر، دره (۱۳۷۵)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

هادیان، حمید (۱۳۸۸)، ضعف ساختاری دولت - ملت‌سازی در افغانستان، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱

هادیان، حمید (۱۳۸۸)، ضعف ساختاری دولت - ملت‌سازی در افغانستان، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۱

والش، جیم (۱۳۸۶)، ناتو و ایران در افغانستان: منافع دو جانبه و خطرات مشترک، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۹
یزدانی، عنایت الله و مجتبی بدخشان (۱۳۹۳)، تأثیر تولید و تجارت مواد مخدر بر کاهش «امنیت» در افغانستان (پس از سال ۲۰۰۱)، فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۱

یوسفی، حیات‌الله (۱۳۸۶)، افغانستان، نظام سیاسی و دموکراسی، فصلنامه معرفت، شماره ۱۱۵

Morelli, Vincent & Paul Belkin (2009); "NATO in Afghanistan: A Test of the Transatlantic Alliance"
Congressional Research Service, 7-5700. www.crs.gov. RL.33627

Report to Congress in accordance with the 2008 National Defense Authorization Act. "Progress toward security and Stability in Afghanistan", January 2009. (Section 1230. Public Law 110-181)

Report on Progress Toward Security and Stability in Afghanistan. 2010.

Security Info Net

World Maps

The World Factbook

<https://www.geopolitica.ru>

<https://sites.google.com/a/bcluw.org>

<http://download.aftab.cc>

<http://shabestan.ir>

United Nation Office on Drug and Crime, The Opium Situation in Afghanistan, August 29, 2011.

World Drug Report, 2011: 63

geopolitica.ru

